

چهره‌ی انقلابی و درخشان، خانقین و کرمانشاه

ابراهیم نادری (؟ - ۱۳۰۰ شمسی)

رشاد - مصطفی سلطانی

دسامبر ۲۰۲۱



از سمت راست : سلطنه‌خانم ، ابراهیم نادری و خواهرش

اسد بوز کورت وزیر دادگستری ترکیه سال ۱۹۳۹ گفته‌است : معتقدم ترک ها باید تنها سرور ، ارباب و حاکم ترکیه باشند و ، آنهایی که ریشه‌ی خالص ترکی ندارند ، در ترکیه فقط یک حق دارند ، حق نوکری و بردگی !

۱ - پیوستن به روند انقلابی جمهوری مهاباد:

آقای ابراهیم نادری سیمای انقلابی و مبتکر خانقین و کرمانشاه خیلی زود توانست دروازه‌ی " زمان " را بگشاید و از آن طریق وارد گذر " تاریخ " گردد . امیدوارم این نوشته بتواند تصویری از چگونگی نقش برجسته‌ی او در جمهوری مهاباد بدست دهد. همانطور که در قیام سال ۵۷ شهر مریوان پذیرای سیستم های دموکراتیک ، آزادی زنان، تکیه بر شوراها و مبارزات مدنی بود ، شهروندان مصمم و لایق مهاباد نیز بخود " اعتماد کافی" داشتند و جمهوری کردستان را بنیان نهادند. در جمهوری مهاباد هیچ کس بخاطر عقاید سیاسی زندانی نگردید. جناب ابراهیم نادری نظرها و دیدگاههای افراطی یک سو نگران را نمی پسندید. توطئه‌های بین المللی در پروسه‌ی گذار تاریخی ، فرصتی به شوینیزم ایرانی و ارتجاع منطقه داد که، جمهوری مهاباد را در خون غلتانددند. نطفه های ارگان های دموکراتیک بسته شد و، داشت مسیر عادی و نرمال خویش را می پیمود ، اما این تحولات دموکراتیک بمذاق سیستم پوسیده‌ی شاهنشاهی ، که از جانب قدرت های جهانی و حتی باصطلاح کشور شوراها (روسیه) کجدار و مریز پشتیبانی میگردید ، خوش نیامد و در یک طرح مشترک ، مرگ جمهوری مهاباد را سرعت بخشیدند. جمهوری کردستان در مهاباد باخیانت های آشکار صاحبان دلار، پاوند و روبل و قصابان آزادی در

گذر سقوط ره پیمود. حاکمان ایران برای آزادی تابوت و برای عشق مرز ساختند، غافل از اینکه نه عشق مرز میشناسد و نه آزادی در تابوت جای میگیرد. جریان پر نوسان سازش و توطئه‌گری بر علیه ساکنین ایران توسط آمریکا، انگلیس و شوروی در دوران جنگ جهانی دوم و بعد از آن (۱۹۴۴-۱۹۴۱) بشدت ادامه داشت. بعد از سقوط جمهوری مهاباد، کردستان در انزوای مطلق قرار گرفته و بنوعی مجازات گردید بطوریکه، گسستگی‌ها بیش از پیوستگی‌ها بود و، میلیتاریزم سایه شوم خویش را در ابعاد وسیعی بر کردستان گستراند و، همزمان شوینیزم * عظمت طلب ایرانی به شیوه‌ای بستر رشد و شکوفائی پیدا کرد، که تنها میتوان آنرا باشوینیزم ترکی و یا صربی یوگوسلاوی مقایسه نمود. تجربه‌ی جمهوری کردستان علاوه بردستاوردهای ارزشمند و عظیم تاریخی و، با همه‌ی کم و کاستی‌ها و اشتباهات و خیانت‌های مرئی و نامرئی قدرت‌های جهانی، عالیترین نمونه‌ی "اعتماد به به‌خود"، اتحاد و یگانگی در پاره‌ای از سرزمین کردستان بوده است.

جناب ابراهیم نادری در پروسه‌ی جذر و مدهای تاریخ سیاسی ایران، تصمیم به تسلیم نگرفت. آنچه خرد پذیر می‌نماید، ایشان بدنبال افکار بالنده و مترقیانه‌ی سیاسی و رادیکال از همسرش در کرمانشاه دور شده و فعالیت‌های سیاسی خویش را به مهاباد انتقال داده است. تاریخ ظهور و سقوط جمهوری مهاباد بطور علمی و آسیب شناسانه و کونکریت بشیوه‌ی مدرن و علمی باز بینی و مورد بررسی قرار نگرفته و ناگفته‌ها و ناشنیده‌های فراوانی دارد و جوانب ناروشن و کدرش در سطح بالایی است.



در کشور سوریه با همسرش بنام هانا

۲- دیدگاه‌های تاریک و مه‌آلود مسکو و سیستم شاهنشاهی

مولوتوف معتقد بود: حساب باز کردن روی سرنوشت کردها خطرناک و بی چشم انداز است، زیرا در سیاست‌های مسکو اولویت‌های دیگری وجود دارند. سیاست کشور شوراها و کرملین، منافع شوروی را بارویکرد رهبری ژنرال ژوزیف استالین مد نظر داشته و مقدم شمرده است. در تراوشات فکری و در ارگان دیپلوماسی استالین - مولوتوف مبارزات خونین کردها برای استقلال و تشکیل دولت کردستان بی اهمیت و هدف مسکو نبوده و در سیستم فکری کرملین نشین‌ها، جایگاهی نداشته است. همزمان سیاست‌های حکومت شاهنشاهی، که بلاشک هوای کرانه‌های ذهنشان مه‌آلود بود، تکیه‌گاه

ارتجاع و سکوی پرش و پرتابی، برای تسلط محکم تر آمریکا و انگلیس در ایران بود. برای بشکست کشاندن جمهوری مهاباد، ابزار مغز شوئی و زهر آلود کردن افکار عمومی مردم ایران، توسط سیستم شاهنشاهی که بر ماسمیدیا، روزنامه ها و رادیو تکیه داشت، از طناب دار دراز تر بود. صاحبان دلار، روبل و پاوند جنگ های خاورمیانه را حتی هم اکنون رهبری کرده و شهروندان این خطه را در دور باطل خشونت اسیر و گیر داده اند. مدار های مغز افراد معتقد به برگشت سیستم شاهنشاهی و جمهوری فاشیستی اسلامی، نیاز مبرم به سیم کثی تازه ای دارند. از قلب های سنگدل و جمجمه های خالی، سیستم های توتالیتر چه انتظاری میتوان داشت؟ بیانات و دلایل سفسطه بازانه ی حکومت شاهنشاهی، مثل سکه های بی بودند که از رواج افتاده و، بی ارزش بودند. حتی از عفو عمومی بوی خیانت و تزویر بمشام افکار عمومی مردم شرافتمند ایران میرسید. بعنوان یک حقیقت عینی در پرواز فکری و اندیشه ی شوینیست ها، معیار های سنجش همیشه بر مدار صفر، سفر کرده است. حاکمان کله بتونی ایران به خرمن امید، شهروندان کردستان آتش زدند و در این بستر رهبران محبوب و لایق جمهوری مهاباد را اعدام نمودند. در پروسه ی سقوط و اعدام رهبران جمهوری کردستان در مهاباد، مردم کردستان از ارتش ایران شکست نخوردند بلکه در حقیقت اتحاد شوروی بود که از آمریکا و انگلستان شکست خورد. قوام السلطنه نخست وزیر ایران، وعده ی حفاری ها و استخراج نفت خام شمال رابه رهبران کرملین داد و گرومیکو در مقابل، تخلیه ایران را در مدت شش هفته قبول نمود. حزب کمونیست شوروی بر خلاف میثاق های مارکسیزم - لنینیسم و پرنسیب های اساسنامه ی حزبی، نسبت به ملل تحت ستم موضع گیری کرد و، سرنوشت ملت کرد را فدای نفت خام شمال نمود. مواضع شوروی حتی در برابر احزاب شیوعی و توده، که سیاست های آنها را قبول و تبلیغ میکردند و بخاطر طرفداری از خط مشی شوروی زندانی و اعدام میشدند، بی تفاوتی محض و سکوت بوده و در هیچ کدام از مجامع بین المللی از کادرها و اعضا احزاب برادر (توده و شیوعی) که در زندان های کشورهای مختلف تیرباران شده و یا اسیر بوده اند دفاع نکرده است.



زندان رضائیه: از سمت راست ابراهیم نادری، مناف کریمی و سید محمد ایوبیان

۳- شخصیت سیاسی و پایگاه اجتماعی جناب ابراهیم نادری:

قشر وسیعی از خوانندگان روزنامه کوهستان، خوشه چین خرمن ذوق و اندیشه‌های بت شکنانه و تراوشات فکری ابراهیم نادری بودند. ابراهیم نادری پاسیون* برجسته‌ای به زبان کردی داشت و با دوستانش روزنامه‌ی کردستان را به نشاط سیاسی و اجتماعی ارتقا دادند. سرزمین چند پاره‌ی کردستان خوشایند خط فکری نویسندگان روزنامه‌ی کردستان نبود. در روند زندگیش حقیقتی نامیرا و ابدی شروع به پرتو افکنی نمود. کلامی پرشور و لحنی پر احساس و تفکراتی بالنده و مترقی داشت. انسانی دموکرات، پیشرو و انقلابی و نثر او زیبا، ساده، قابل انعطاف، روان و دلنشین بود. مقالاتش با پدیده‌ی دیماکوژی** بیگانه بود و، توانست حلقه‌ی همدلی را در مه‌آباد گسترده نماید و بذر های کوچک بصیرت را شکوفا سازد، همت بزرگش هم رنج و هم مهربانی را در خود داشت. دیکومینت و سندی پیدا نگردیده اما احتمال و تصور میرود که نمایشنامه‌ی ارزشمند و جذاب (دایکی نیشتمان) توسط آقای ابراهیم نادری با برخورداری از تفکرات و اندیشه‌های آقایان: هاشم خلیل زاده، رسول میکائیلی، دلشاد رسولی و منافع کریمی نوشته شده باشد، که مدت زیادی بروی صحنه آمد و استقبال باشکوهی از این نمایشنامه گردید. آقای ابراهیم نادری داوطلبانه به جمهوری کردستان خدمت نمود و این دستاورد ارزشمند ملت کرد، در تاریخ ثبت گردیده است. اما با سانسور وحشیانه‌ی حاکمان ایران روبرو گشت. جمهوری آذربایجان در کتاب های درسی دوران شاهنشاهی، انعکاس داشت اما بعنوان خیانت به مام میهن و ایران زمین، مورد تحقیر و اهانت قرار میگرفت و مردم را بر علیه جمهوری آذربایجان و رهبرانش تحریک کرده و، در بستر افکار عمومی اندیشه های شوینیستی را پرورش و رواج میدادند. در همین کتاب های درسی دوران شاهنشاهی تشکیل جمهوری کردستان، مطلقا انعکاسی نداشت و سانسور مطلق و خشن و گسترده‌ای اعمال میگردد و، این رویداد عادلانه و صلح طلبانه را بهیچ گونه‌ای در کتاب های درسی بازگو نمی کردند.

اگر حکومت‌های دیکتاتور و دست نشانده دخالت و تحریک نکنند، ملت های ساکن ایران، در جوار همدیگر بر اساس موازین "دمکراسی و احترام متقابل و حق ملل در تعیین سرنوشت خویش" میتوانند بطور مسالمت آمیز با همدیگر زندگی کنند. نمونه موفق این همزیستی مسالمت آمیز، در تاریخ ایران حکومت های جمهوری آذربایجان و جمهوری کردستان بود، که روابط مسالمت آمیز و شایسته ی احترامی داشته‌اند.



ایستاده از سمت راست: ابراهیم نادری، صدیق حیدری، محمد محمود و مصطفی خوشناو. نشسته دکتر اسماعیل اردلان.

۴- بیوگرافی و نشیب و فراز زندگی آقای ابراهیم نادری :

سال ۱۳۰۰ در شهر خانقین و از خانواده‌ای فیلی بدنی آمده است. در رشته‌ی ادبیات درس خوانده و ثمره‌ی ازدواجش باسلطنه‌خانم ، دختری بنام مهین دخت نادری میباشد که اکنون در کرمانشاه زندگی میکنند. در دانشکده افسری نیز درس خوانده و بدرجه‌ی سروانی رسید . دو کتاب در زمینه‌ی مسایل نظامی نوشته‌است . و مدتی مدرس و استاد دانشکده‌ی افسری بوده که سال ۱۳۲۴ استعفا میدهد . باروزنامه‌ی کوهستان با سرپرستی دکتر اسماعیل اردلان همکاری داشته و نماینده‌ی این روزنامه در ایلام ، شاه‌آبادغرب بوده است . بعد از استعفا با کومه‌له‌ی ژی - کاف ارتباط میگیرد و سال ۱۳۲۵ در رادیو کردستان سخنرانی مهیجی داشته‌است . آقای مناف کریمی ، ایشان را بعنوان معاون خود در وزارت فرهنگ کردستان تعیین می کند . به زبان های کوردی ، فارسی ، عربی و انگلیسی صحبت میکرده‌است . قسمتی از کتاب مشاهیر کرد و کردستان اثر امین زکی بیگ را از زبان کردی بهفارسی برگردانده‌است. در کمیسیون و هیئت تهیه‌ی کتاب های کردی با آقایان : زبیحی ، دلشاد رسولی ، ههژار ، هیمن ، همکاری نمود . با تراژدی سقوط جمهوری کردستان ، اسیر و در رضائیه زندانی گشت که جولان اندیشه هایش ، دردیواری تنگ و در حصار ی گرفتار نموده بودند . او باشجاعت خاص خود در حصار رنج ها ماند و، با محدودیت های ناخجسته‌ای روبرو گشت و پس از آزادی از زندان به عراق رفت و ، سرانجام زندگی دیاسپورا* را بر گزید. سپس بسوریه رفته و بعنوان مترجم در اداره‌ی لوله‌ی نفت عراق - سوریه استخدام میگردد. در شهر تایف در عربستان نیز مدتی در تشکیلات نفت و ارگان های نظامی کار کرد. به سوریه بر میگردد و باخانم هانا ازدواج و صاحب دو دختر بهنامهای نرمین و نسرین میگردد ،که اکنون بعنوان آوارگان کشور سوریه ،در ترکیه بسر میبرند. در ماموریتی بسوی شهر کرد نشین قامیشلی و همراه سرنشینان هیلکوپتر سقوط و جانش را از دست میدهد .

هم اکنون ارتجاع دینی و کارتل های چند ملیتی جهان را به زندان بزرگی تبدیل کرده‌اند و حقیقتا یاد و خاطره‌ی جناب ابراهیم نادری در دلم با سپاس فراوان در آمیخته و بنده چند شاخه گل سرخ پرشکوه و چشم نواز را به مقبره‌اش تقدیم مینمایم . پایان دسامبر ۲۰۲۱

منابع مورد اعتماد : به زبان انگلیسی:

- 1-Olof G . Tandberg Anders Kung : _Jordens förtryckta Kurdistan _
- 2-Agha,shaikh and State The social and political structures of kurdistan london 1992 , by: Martin von bruinessen
- 3-Nationalism and language in Kurdistan 1918-1985 San Francisco by: Dr ,Amir Hassanpour .
- 4-The kurds and their (others) : fragmented identity and fragmented politics , 1988 by: Abbas vali
- 5- Ingmar karlsson - Kurdistan landet som icke är _ Scandbook , Falun 2008

زبان کوردی : به

* وتاری ته‌حقیقی و گرانبه‌های جناب کاک فاروق فه‌هاد ، به ناوی ئیبراهیمی نادری : نووسەر ، وه‌رگێڕ و سه‌روکی گشتی ئورگانی " فه‌هه‌نگی کۆماری کوردستان " له سه‌ر سائیتی کوردیبه‌ییدا دانراوه . له‌م وتاره‌دا پێگه‌ی به‌رزى کۆمه‌لایه‌تی و سیاسى جناب ئیبراهیمی نادری له میژوودا و ، هاوکات دیکومینت و به‌لگه باور پیکراوه‌کان و وینه‌کانی له لاپه‌ره‌کانی وتارکه‌دا

، دانراون و باس کراوه. ریزدارکاک فاروق فههاد ئیجازهی داوه و ، من له نوسراوهکهی
جهنابیان کهلکم وهر گرتوه .

Kurdipedia.org

۱- میژووی کوردستان ، وهر گیرانی له عهربیهوه بو کوردی ،وشیار عهبدولله سهنگاوی ،
دهزگای چاپ و بلاو کراوهکانی رۆژههلات ، چاپی دووههم سالی زاینی ۲۰۱۰، ن-لازاریف
۲ - کاریگهری پهیماننامهی زههاو ۱۶۳۹ زاینی له سهر کوردستان ، توژینهوهیهکی میژووییه،
ههولیر سالی ۲۰۱۱ زاینی، نوسههکان : ئهحمده همه ئههین و دلشاد مهحموود
عهبدولرحمان

۳ - چهساوهکانی زهوی " کوردستان " له سویدییهوه ئهمحمد شاکهلی تهرجومه کردووه ، له
چاپخانهی نارارات له سالی ۱۹۸۸ چاپ کراوه . نوسههکان ئهندریس کونگ و ئوولوف گ
-تاندبهری

به زبان فارسی :

۱- شهر باستانی قصر شیرین ، انتشارات موسسهی فرهنگی ، هنری کوثر ۱۳۸۰ شمسی
نویسنده نریمان سبحانی
۲ - سرپل زهاب در گذر
تاریخ ، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل سرپل زهاب ، چاپ و صحافی ، مسعود ۱۳۸۴
شمسی ، نویسندگان . منوچهر کمری و رضا جمشیدی

معانی برخی کلمات به فارسی :

1-Diaspora 2- Passion 3 -Demagogi 4 - chauvinism

دیاسپورا : پراکندگی ملتی در پهنه‌ی وسیعی از کره زمین ، مانند خلق کرد و یهودی ها.
پاسیون : علاقه وافر و شدید به پدیده‌ای
دیماغوژی : عوام فریبی در اشکال گوناگون
شوینیزم : تعصب فراوان نسبت به میهن و کشور